

سبک زندگی خانوادگی شهید حقانی در گفت و گو با کوچکترین فرزند ایشان رهبری گفتند پدرتان مانند رودی آرام بودند



◆ **نفسه خانلری** | مشغله های بسیاری داشت، اما هیچ وقت برای خانواده اش کم نگذاشت. حتی همسرش را در مبارزات با خودش همراه کرده بود. آرامش و صبوری خاصی داشت و به تعبیر رهبر معظم انقلاب مانند رودی آرامی بود که وقتی از بالا به آن نگاه می کنی، ظاهراً تلاطمی ندارد، اما با شدت در حرکت است. به دور از هیاهو شبانه روز کار می کرد و وقتی رضایت امام (ره) را از خود شنید آن قدر خوشحال شد که به تعریف همسرش یک روز تمام صحبت های امام (ره) را با خود تکرار می کرد. شهید حجت الاسلام «غلامحسین حقانی»، سال های زیادی از عمرش را وقف اعتقاد آتش کرد و فاجعه هفتم تیر سال ۱۳۶۰ حسن ختامی شایسته برای تمام خدمات ارزشمند او به شمار می رفت. در آستانه چهلیمین سالروز شهادت حجت الاسلام «غلامحسین حقانی» به سراغ کوچکترین فرزند این شهید نامدار یعنی حجت الاسلام غلامحسین حقانی رفتیم تا سبک زندگی این شهید بزرگوار را از زبان فرزندی نقل کنیم که دو ماه بعد از شهادت پدرش به دنیا آمد.

در خواست های غیر معقولی داشتند، پدرم ساعت ها وقت می گذاشتند تا در نهایت آرامش و صبوری بتوانند آن ها را راضی کنند. البته ایشان این ویژگی اخلاقی را در برابر خواهران و برادران خودشان هم داشتند؛ زیرا پدرم فرزند بزرگ خانواده بودند و همواره در قبال خواسته های آن ها نیز با محبت و آرامش برخورد می کرده اند تا به نتیجه مطلوب برسند.

ایشان در بحث تربیتی فرزندان بیشتر بر چه نکاتی تأکید داشتند؟

بنا به گفته مادر، ایشان در فضای تربیتی بیش از هر چیز بر مسائلی مانند نماز و حجاب تأکید داشتند. حتی یکبار که پدرم در زندان بودند و خواهر کوچکم برای دیدار ایشان به زندان مراجعه کردند، مسئولان زندان به خواهرم می گویند باید چادرش را بردارد تا بتواند وارد زندان شود و پدرم را ببیند. خواهر من هم چنین شرطی را می پذیرد، اما زمانی که نزد پدرم می رود، پدر از این کار او بسیار ناراحت می شوند و به او می گویند، بهتر بود اصلاً مرا نمی دیدی، اما زیر بار دستور آن ها نمی رفتی!

به اعتقاد شما، شهید حقانی از لحاظ اخلاقی و عبادی، چه ویژگی هایی داشتند که جامعه امروز بتواند از ایشان الگو برداری کند؟

به تعبیر رهبر معظم انقلاب، ایشان مانند رودی آرام بودند که وقتی از بالا به آن نگاه می کنی، به ظاهر تلاطمی ندارد، اما به شدت در حرکت است. به واقع ایشان ظاهراً کاری نمی کردند و هیاهویی نداشتند، اما بسیار فعال و پرتلاش بودند. پرکاری بیش از حد و دور از دیده شدن و بی توجهی به پست و مقام، مبنای کاری ایشان بوده است؛ به طوری که بیشتر وقت ها، بسیاری از کارهایی که ایشان می کردند برای هیچ کس محسوس و قابل مشاهده نبود و تازه بعد از شهادت مشخص می شد. ایشان معاون کمیسیون دفاع بودند و پس از آنکه به شهادت رسیدند، نقش شان در این سمت و جای خالی شان بیش از پیش نمود پیدا کرد. نکته مهم دیگر، بحث ولایت مداری ایشان بوده است. شاید جالب باشد بدانید که یکی از شادترین روزهای زندگی پدرم، زمانی بود که امام (ره) از ایشان ابراز رضایت می کنند. وقتی پدرم به عنوان نماینده سازمان تبلیغات و به عنوان

خود را به تولد فرزندان شان برسانند، اما این موضوع به هیچ عنوان به معنای کمبود محبت ایشان نسبت به خانواده نبود؛ زیرا کیفیت حضور پدر در خانه به حدی بالا بود که همیشه به نیکی از آن یاد می شود. به واقع مهربانی و محبت به همسر و فرزندان، همواره یکی از مهم ترین ویژگی های رفتاری ایشان بود که بسیار حائز اهمیت است. ایشان با تمام مشغله ها و نبودن های شان، به گونه ای در قبال خانواده رفتار می کردند تا کمبودی احساس نشود. مادرم همیشه می گویند با اینکه پدر کمتر در خانه بودند، زمان هایی که به خانه می آمدند، با مهربانی و محبتشان، به قدری فضای خانه را صمیمی می کردند که آن نبودن ها به خوبی هر چه تمام تر جبران می شد.

با این حساب همسر و فرزندان رابطه بسیار خوبی با ایشان داشتند.

از آنجا که رفع نیاز خانواده دغدغه اصلی ایشان بود، هم مادر و هم فرزندان، رابطه بسیار خوبی با ایشان داشتند. پدرم حتی برای اینکه بتوانند مادرمان را در فضای زندگی رشد بدهند و رضایتشان را تأمین کنند، ایشان را درگیر مبارزات سیاسی خود می کردند؛ مثلاً در فضای توزیع اعلامیه و مسائلی این چنینی از مادر کمک می گرفتند تا توجه ایشان بیش از پیش به مسائل مهم جلب شود و مادر به این باور برسند که در این فضا با همسر خود سهیم هستند. اهمیت به رضایت همسر نکته بسیار مهمی است که پدرم هیچ گاه از آن غافل نمی شدند. در مورد فرزندان هم جالب است بدانید که عموی بنده همیشه می گفتند، حتی یکبار هم ندیده اند که پدرم با فرزندان شان تندی کرده باشند. به هر حال آن زمان هر کدام از فرزندان شیطنتهای خاص خودشان را داشته اند، اما پدرم هیچ گاه خم به ابرو نمی آوردند تا بچه ها از لحاظ عاطفی هیچ کمبودی احساس نکنند؛ بنابراین فرزندان چیزی جز محبت از ایشان ندیده بودند و چنین چیزی به هیچ عنوان سابقه نداشته است. حتی اگر فرزندان در مواقعی

آقای حقانی، ما معتقدیم که یکی از مهم ترین پیام های شهدا برای همه ما می تواند سبک زندگی این بزرگواران و ویژگی های شایسته اخلاقی آن ها باشد؛ پس پیش از هر چیز می خواهیم شهید حقانی را در قالب خانواده بر ایمان تعریف کنیم.

زمانی که پدر به شهادت رسیدند، بنده هنوز به دنیا نیامده بودم و دو ماه بعد از شهادت ایشان متولد شدم؛ پس هر آنچه می گویم، تجربه شخصی نیست و براساس نقل ها و شنیده ها گفته می شود. پیش از هر چیز باید بگویم که ما ۴ خواهر و ۲ برادر هستیم. ۶ فرزندی که پدرمان در زمان به دنیا آمدن هیچ کدام از ما حضور نداشتند. به واقع ایشان بیشتر اوقات یا در سفر بودند، یا در زندان و در چنین شرایطی نمی توانستند

